

«الذین هم یراؤون»

عنوان بحث: «ریا و اخلاص»: معنا، مراتب، مصادیق

ریا از انشعابات شرک^۱ و به معنای انجام اعمال با نیت جلب توجه و رضایت غیر خدا اعم از مردم به عنوان اکمل مصادیق ریا^۲ و نفس خود آدمی است^۳ و کریمه ی «أرأیت من اتخذ الهه هواه»^۴ شاید اشاره به این معنا باشد. باید توجه داشت حتی وقتی که انسان در پی جلب رضایت مردم است درواقع در جهت تأمین رضایت نفس خود حرکت می کند.

در معنای «ریا» آمده است: ریا نشان دادن عمل است به مردم به منظور جاه طلبی و خودنمایی و برای اینکه جلب نظر آنها بکند و خود را نزد آنها پرهیزگار و متقی جلوه بدهد.^۵

البته اینها همه در حالی مصادیق ریاست که در جهت امتثال امر الهی مبنی بر اداء حقوق مردم و حق نفس نباشد زیرا انسان ناگزیر است جهت رعایت حق نفس و حق مردم رضایت این هر دو را کسب نماید.

انسان خود اجتماعی عظیم از موجوداتی است که تجسم اعمال، خلقیات و عقاید او هستند، از اینرو در مقابل این اجتماع درونی نیز در تیررس ریا قرار دارد. بدین معنی که اگر مقصود و منظورش در کارها، جلب توجه موجودات نوری و قدسی باشد دچار ریا و شرک شده است.

حضرت امام رحمه الله علیه می فرمایند: «پس وقتی که ساقط شد از بنده حظوظ او از خاک تا عرش راه دین را سلوک کرده و آن طریق بندگی و عبودیتی است که خالص باشد از دیدن حوادث به واسطه شهود روح، جمال پروردگار را.»^۶ از دیگر مصادیق «ریا» توجه انسان به مراتب مادون وجود است وقتی که در حرکت به سوی خداوند به مرتبه ای عالی تر می رسد.

می دانیم که جسم انسان تحت ربوبیت نفس او و نفس ، تحت ربوبیت قوه عاقله و روح آدمی است. البته هیچ یک از این مراتب استقلالی ذاتی نداشته، تحت ربوبیت مربی حقیقی و حضرت رب الارباب، خدای عزوجل قرار دارد.

اما از آنجا که انسان نمی تواند ربوبیت حق را بی واسطه درک نماید، ربوبیت خداوند در هر یک از این مراتب در پدیده ای خاص ظهور نموده، عهده دار امر تربیت آدمی است.

روایاتی که تحصیل رضایت یا غضب حضرات معصومین علیهم السلام را واسطه تحصیل رضایت یا غضب خداوند برمی شمارد، می تواند شاهد این ادعا باشد.^۷

بنابراین وقتی انسان به سوی عالمی بالاتر از خود، مثلا به ملکوت وجودش توجه می کند درواقع به خدا توجه کرده است و در آنجا مربی او، عقل و روح مجرد است در این مرحله اگر متوجه مرتبه پائین تر شود متوجه غیر خدا شده، ریا و شرک محقق شده است.

پس انسان برای رسیدن به خدا راهی ندارد جز این که مرحله به مرحله و گام به گام پیش رود. با این بیان اخلاص آنجاست که دیگر بین انسان و خدا واسطه ای نباشد و تنها انسان کامل است که به این درجه می رسد.

اجمالا از آنجا که حقیقت وجود انسان همان نفخه و روح الهی است، اگر عمل آدمی موافق با این حقیقت باشد در جهت جلب رضای خداست ولی آنجا که مطلوب دیگری برایش مطرح می شود نیت مشوب به شائبه ریا می شود. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه "فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملا صالحا و لا يشرک بعباده ربه احدا" فرمود: «آن مردی که عمل می کند چیزی از ثواب را که خواهش نمی کند به آن کار ملاقات خدا را، فقط ملاحظه می کند

پاکیزه شمردن مردم او را، میل دارد مردم بشوند آنچه کرد، پس این کسی است که شریک قرار داده در عبارت پروردگارش.^۸

ریا باید به گونه ای بیان شود که در جمیع مراتب مؤمنین و مراتب ایمان معنا شود و این در مقابل بحث مراتب اخلاص است.

چنانکه امام خمینی (ره) در بیان مراتب اخلاص می فرمایند: «در نظر داشتن پادشاهای دنیوی و اخروی و در مراحل بالاتر حتی لقاء خود خدا، چنانچه به خاطر جلب منافع حاصل از این لقاء و دیدار باشد. موجب تحقق ریا می شود.»^۹ گر از دوست چشمت به احسان اوست تو در بند خویشی نه در بند دوست بالاترین مرحله اخلاص که اختصاص به انسان کامل دارد^{۱۰} آنجاست که انسان چشمش حتی به احسان دوست هم نبوده، و فوائد حاصله از لقاء الهی نیز منظور مقصودش نباشد.

و فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در مورد شرک، که آن را از حرکت مورچه ی سیاه مخفی تر دانسته اند. ناظر به مراتب خیلی دقیق ریا می باشد.^{۱۱} وقتی انجام عبادات برای انسان به علت اشتغالات پست مادی، سخت و دشوار است و موجب قصور در اداء آن می شود، ریا محقق شده است.

از این جهت که اذکار نماز، یعنی تکبیر، تسبیح، تحمید و تهلیل همه مشتمل بر این معناست که خداوند برترین مقصود است و نمازگزار کاهل این اذکار را می گوید در حالی که در باطن مقصود دیگری را می جوید. و البته این بیشتر به نفاق شباهت دارد.

امام خمینی (ره) می فرمایند: «بدان ای عزیز که یکی از مراتب نفاق و دورویی و دو زبانی نفاق با خداوند متعال و دورویی کردن با مالک الملک و ولی النعم است.»^{۱۲}

در اینجا ریا با نفاق قابل جمع است. نفاق، دورویی کردن با مردمان است و ریا نشان دادن عمل به غیر خداست و می تواند منشاء نفاق باشد. دورویی در رابطه با مردم محقق می شود و البته گاهی انسان در مواجهه با مردم نیست ولی چون ظاهرش با باطنش متفاوت است درواقع در دام نفاق گرفتار است. در هر حال باید دید همین عبادت اندک به چه نیّتی انجام می شود؟ آیا برای جلب توجه دیگران و یا جلب منافع برای نفس است که اگر چنین باشد این از مصادیق ریاست.

انجام عبادت ریائی وقتی سخت و دشوار است که انسان تنهاست. چنانکه امام علی (علیه السلام) می فرماید: «ریاکار را سه نشانه است: وقتی چشمش به مردم می افتد کوشا می شود وقتی تنهاست سستی و تنبلی می ورزد و دوست دارد که در هر کاری ستایش شود.»^{۱۳}

اصولاً عیار اخلاص به حالات انسان در خلوتش سنجیده می شود. «مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: آیا بیم آن هست که من منافق باشم؟ حضرت فرمود: وقتی روز یا شب در خانه ات تنها هستی آیا نماز می خوانی؟ عرض کرد: آری فرمود: برای چه کسی نماز می خوانی؟ عرض کرد برای خداوند عزوجل. فرمود: چگونه منافق باشی وقتی برای خدا عزوجل و نه غیر از او نماز می خوانی؟»^{۱۴}

از اینروست که مولا علی (علیه السلام) نسبت به معصیت در خلوتها هشدار می فرماید.^{۱۵}

باید توجه داشت که عبادات منحصر به نماز نیست و روایات بسیاری در این باب وارد شده است از جمله پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم می فرمایند: «هر کس

یک نیاز برای مؤمن خود را برآورد چنان است که همه عمر خویش را به عبادت خدا سرکرده باشد.^{۱۶}

ثمره ی عملی :

در احوالات خود بیندیشیم که برآستی چرا در حضور جماعت در برپائی شعائر مذهبی و انجام فعالیت‌های اجتماعی، با شور و نشاط مشارکت می‌کنیم. اما در خلوت و تنهایی هیچ شوق و شوری برای یاد خدا نداریم و توجه داشته باشیم که اگر حال ما این گونه است گرفتار ریا هستیم.

نمازی که برای جلب رضایت خدا نباشد از جان و مغز عاری است و علت غفلت و بی‌توجهی به حقیقت نماز نیز طلبیدن غیر خداست. پوسته ظاهری چنین نمازی هم آلوده به ریا است و همین ریا زمینه ساز «یمنعون الماعون» نیز می‌شود زیرا شخص ریاکار آنجا که منافع خود را در خطر ببیند حتی از انجام عمل خیر توسط دیگران نیز جلوگیری می‌کند.

پی‌نوشت:

(۱) بدانید که اندکی ریا شرک است. (امام علی (ع)، نهج البلاغه ، خ ۸۶)

(۲) قاموس قرآن، ج ۳، ص ۳۵

(۳) «و تعریف جامع شرک در عبادت... اگر رضای خود باشد، آن شرک خفی باطنی است.» شرح چهل حدیث، امام خمینی، ص ۳۲۶

(۴) سوره فرقان، آیه ۴۳

(۵) اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۰

۶) شرح چهل حدیث، امام خمینی، ص ۳۲۸

۷) پیامبر (ص): خداوند با خشم فاطمه به خشم می آید و با خشنودی او خشنود می شود. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۲

۸) اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۴

۹) آداب الصلاه، امام خمینی، ص ۱۶۴

۱۰) شرح چهل حدیث، امام خمینی، ص ۵۷

۱۱) کنز العمال، ج ۸۸۴۹

۱۲) شرح چهل حدیث، امام خمینی، ص ۵۹

۱۳) اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۵، ح ۸

۱۴) بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۰۶

۱۵) نهج البلاغه، ح ۳۲۴

۱۶) بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۰۲